

حَسینیه وارَها ۱۳۱

از کودکی با «یا حُجَین» در دلمان حسینیه ساختم



حکایت کرد با از زبان ربان عیها السلام



نویسنده: محسن عباسی ولدی

ناشر: آیین فطرت

مدیر هنری و طراح جلد: سیدحسن موسی زاده

گرافیک: گروه هنری آیین فطرت

ویراستار و مشاور ادبی: زهیر توگلی

ارتباط با ناشر و هماهنگی پخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران

نوبت چاپ: سوم / زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

با روزه به سعادت زیر و خرید اینترنتی

یا ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی

کتاب رادرب منزل تحویل بگیرید.

www.ketabefetrat.com

سامانه پیامکی: ۳۰۰۱۵۱۵۱۰

کلیه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -

عنوان: نام پدیدآور:

علی اصغر نبود: حکایت کریلا از زبان باب /

نویسنده محسن عباسی ولدی؛

ویراستار و مشاور ادبی: زهیر توگلی.

مشخصات نشر: قم: آیین فطرت، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۴۴ ص.

فروست: حسینیه واژه‌ها؛

از کودکی یا «یا حدین» در دلمان حسینیه ساختمیم.

شابک: ۹-۶۵-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: چاپ قبلی: جامعه الزهراء، ۱۳۹۲.

یادداشت: بالای عنوان: علی اصغر، گل پرپریم.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۳ - ۴۴.

عنوان دیگر: حکایت کریلا از زبان رباب /

عنوان دیگر: علی اصغر، گل پرپریم.

موضوع: علی اصغر بن حسین / ۶۱-۶۱ ق.

موضوع: نثر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian prose literature -- 20th century

رده بندی کنگره: PIR۸۱۴۸

رده بندی دیویی: ۸۸۴۲/۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۹۴۷۶۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

وقتی که به سوی فرات می‌رفتی، تنب خشکیده و
ترک برداشته بود. بند بند وجودت می‌لرزید از صدای
العطش بچه‌ها. به این امید می‌رفتی که تا دقایقی
دیگر، دوی جگرهای تفتیده را با خود بیاوری. وقتی که تیر
خوردی، صدای را شنیدم که پر بود از درد و حسرت؛ درد
خجالت و حسرت رسیدن به خیمه‌ها. تیری که پیکرتو
را درید، به حنجره اصغر هم رحم نکرد. اگر چه همیشه با آب
همراهی؛ ولی از همان روز تا اکنون، شده‌ای نماد عطش.
آب‌هایی که از تن دریده‌ات می‌غلطید، قرن‌هاست
که قطره قطره از چشم‌های ما روی گونه‌مان می‌غلطید.

تقدیم به مشک ابا الفضل!

www.ketab.ir

فهرست

- ۹ | به جای مقدمه
- ۱۱ | از آسمان تا زمین
- ۱۵ | از محمد ﷺ تا یزید
- ۱۹ | از کربلا تا کربلا
- ۳۱ | از علی اکبر علیه السلام تا قمر بنی هاشم علیه السلام
- ۳۷ | از زمین تا آسمان
- ۴۳ | منابع

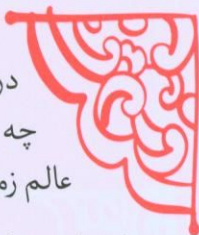
به جای مقَرّمه

www.ketab.ir

علی، اصغر نبود.

کوچک بود؟ نه! نبود؛ فهم همه ما را که روی هم بگذارند
شعاعی از عظمتش هم در حیطه درکمان نمی‌گنجد.

زبان سخن گفتن نداشت؟ داشت؛ من
در کربلا زبانی فصیح‌تر از زبان او نیافتم.
چه شیوا و زیبا پیام حسین علیه السلام را در گوش
عالم زمزمه کرد!



ضعیف بود؟ نه! قوی بود که قوی‌ترین کماندار را به
میدان رزمش فرستادند.

توان راه رفتن نداشت؟ چرا! داشت؛ اگر نداشت، چگونه
هنوز هم همه ما را راهبری می‌کند؟

کودک بود؟ نه! بزرگان، همه در محضر او احساس کوچکی
که نه، احساس نیستی می‌کنند.

پس که بود؟ علی بود. **اصغر**، نه عنوان کوچکی‌اش، نه
نشان کودکی‌اش بود. به او **اصغر** گفتند چون زمان توقّفش
در عالم، کوتاه‌تر از همه کربلائیان بود.

محسن عباسی ولد
قم، شهر بانوی کرامت
مهرماه ۱۳۹۲
عید قربان ۱۴۳۴